

- ۱ در کدام گزینه هر دو نوع واو (عطف - ربط) دیده می‌شود؟
الف) دیدم ببلان و کبک‌ها آواز می‌خواندند و قورباغه هم در آب صدا می‌کند.
ب) آن خسرو مهربان و خونگرم با سردی و بی‌مهری بسیار نگاهم کرد.
- ۲ با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه «بیغوله» بیابید.
«بی تو در هر گوشه پایی در گل است / وز تو در هر خانه دستی بر سری»
- ۳ در کدام بخش متن، دیدگاه آل‌احمد درباره‌ی جایگاه و ارزش نیما بیان شده است؟
- ۴ استنباط خود را از عبارت زیر بنویسید.
«هر چه بر او تنگ گرفتند، کمر بند خود را تنگ‌تر بست تا دست آخر با حقارت زندگی‌ها مان اُخت شد.»
- ۵ معنی و مفهوم هریک از عبارت‌های زیر را بنویسید.
الف) خَلْف صدق نیاکان هنرور خود بود.
ب) اسب از پهلو، اسبی خود را به کمال نشان می‌داد.
- ۶ از نظر نویسنده، کلاس درس نقاشی در مقایسه با کلاس درس‌های دیگر چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۷ دو کنایه در متن درس (کلاس نقاشی) پیدا کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.
- ۸ در کدام قسمت از این متن، می‌توان نشانه‌های شاعری نویسنده را یافت؟
- ۹ حرف «و» در جمله‌ها دو ۲ نوع کاربرد دارد:
۱- اگر دو یا چند کلمه را به هم پیوند دهد، به این نوع «و»، «واو عطف» می‌گویند. ۲- اگر «و» پس از فعل بیاید و دو جمله را به هم پیوند دهد، «نشانه‌ی ربط یا پیوند» می‌گویند.
اکنون از متن درس (کلاس نقاشی)، برای کاربرد هریک از انواع «و» نمونه‌ای بیابید و بنویسید.
- ۱۰ نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.
«صاد» هرگز جانوری جز از پهلو نکشید.
- ۱۱ از متن درس (کلاس نقاشی)، چهار واژه‌ی مهمّ املائی بیابید و بنویسید.

برای هریک از موارد زیر، یک مترادف از درس بیابید.

۱) برآمدگی پشت پای اسب (.....)

۲) چنبره‌ی گردن (.....)

۳) میان دو کتف (.....)

سپهری، برای کلمه‌ی «نقاشی کردن» از چه معادل‌های معنایی دیگری استفاده کرده است؟

۱ گزینه الف (ص ۶۶)

۲ گوشه (ص ۶۸)

۳ به همین طریق بود که پیرمرد، دور از هر ادایی به سادگی در میان ما زیست و به ساده‌دلی روستایی خویش از هر چیز تعجب کرد و هر چه بر او تنگ گرفتند، کمر بند خود را تنگ‌تر بست تا دست آخر با حقارت زندگی‌ها مان اُخت شد. هم‌چون مرواریدی در دل صدف کج و کوله‌ای سال‌ها بسته ماند. در چشم او که خود چشم زمانه‌ی ما بود، آرامشی بود که گمان می‌بردی شاید هم به حق از سر تسلیم است اما در واقع طمأنینه‌ای بود که در چشم بی‌نور یک مجسمه‌ی دوره‌ی فراعنه هست.

۴ فشارها و بی‌مهری‌ها نیما را در راه خود مصمم‌تر می‌کرد تا در نهایت، با خواری زندگی پست مادی که جامعه را دربر گرفته بود، خو کرد و آن‌را پذیرفت.

۵ الف) جانشین راستی پدران هنرمند خو بود.
ب) اسب از پهلو، کمال و زیبایی خودش را بهتر نشان می‌دهد.

۶ زنگ نقاشی دلخواه و روان بود، خشکی نداشت. به جد گرفته نمی‌شد. خنده در آن روا بود.

۷ «حرفی به کارش بود» کنایه از این‌که اشکال دارد و «راه دست خودش نیست» کنایه از این‌که خود او نیز مهارت کافی ندارد.

۸ معلّم مرغان را گویا می‌کشید؛ گوزن را رعنا رقم می‌زد؛ خرگوش را چابک می‌بست. سگ را روانه گرتّه می‌ریخت، اما در بی‌رنگ اسب حرفی به کارش بود.

۹ واو عطف: از بیال و غاریب به زیر آمد
نشانه‌ی ربط یا پیوند: سپس شکم را کشید و دو پا را تا زیر زانو گرتّه زد.

۱۰ صاد: نهاد / هرگز: قید / جانوری: مفعول / پهلو: متمم / نکشید: فعل

۱۱ غارب - وقب - رسته - شیطنت

۱۲ (۱) کله (۲) (آخره) (۳) (غارب)

۱۳ نقش‌بندی، بستن، رقم زدن